



دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد

رشته جامعه شناسی

عنوان:

بازنمایی تجربه زنان از جهان اجتماعی در رمان

(تحلیل جامعه‌شناسانه ۵ رمان پرفروش دههٔ اخیر ۱۳۸۵-۱۳۷۵)

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر افسانه کمالی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محسن گودرزی

دانشجو:

زینب حاجتی

اسفند ۸۷

تقدیم

به مادر و پدر عزیزم که در رشد و اعتلای من از هیچ زحمتی فروگذار نبودند.

و

به همسر عزیزم که استوارترین تکیه‌گاه زندگی‌ام است.

به پایان رسیدن پژوهش حاضر را پس از لطف و عنایت پروردگار مهربان مدیون عنایت عزیزانی هستم که با حمایت‌های بی دریغشان مرا در انجام هرچه بهتر این پژوهش یاری نمودند. اظهار مراتب قدرشناسی‌ام را از آن بزرگواران بر خود واجب می‌دانم.

نهایت سپاسم نثار :

سرکار خانم دکتر افسانه کمالی استاد راهنمای عزیزم که با بردباری تمام در تمامی مراحل این پایان نامه راهنما و همراه من بودند و همواره از راهنمایی های سودمند و دقت نظر ایشان در طول کار بهره بردم.

جناب آقای دکتر محسن گودرزی که الفبای پژوهش را به من آموختند. و با نکته سنجی و بینش دقیق علمی خود در تمامی مراحل پژوهش یاری ام کردند.

و دوست گرامی جناب آقای دکتر شهرام جلیلیان که با حمایت ها و راهنمایی های علمی شان بر اعتلای کار افزودند.

و تمامی دوستانی که با همفکری و دقت نظر در رفع مشکلات و گشودن گره های پژوهش کوشیدند.

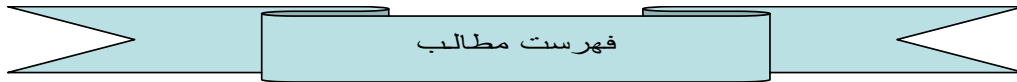
چکیده:

بازنمایی تجربه زنان از جهان اجتماعی در رمان‌های پرفروش دههٔ اخیر، یعنی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ موضوع پژوهش حاضر است. در این پژوهش کوشش شده است به این سؤال پاسخ داده شود که در رمان‌های زنان دههٔ اخیر، تجربه زنان چگونه بازنمایی شده و زنان این رمان‌ها با چه مسائل و دغدغه‌هایی مواجه‌اند. چارچوب مفهومی پژوهش حاضر با مطالعه جامعه‌شناسی ادبیات، رابطهٔ جامعه و ادبیات از منظر اندیشمندان و همچنین مفهوم بازنمایی، جهان اجتماعی و نظریهٔ ساخت اجتماعی واقعیت شکل گرفته است.

با توجه به ملاک‌های تعیین‌شده برای انتخاب رمان‌ها، یعنی پرفروش بودن رمان‌ها، قرار گرفتن انتشار رمان‌ها در فاصله بین سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و اینکه شخصیت اصلی رمان‌ها می‌بایست زنان باشند و رمان حول بیان تجربیات زنان شکل گرفته باشد، پنج رمان انتخاب گردید. روش استفاده شده در این پژوهش، نظریه مبنایی می‌باشد. نظریه مبنایی روشی کیفی است و برخلاف روش‌هایی که تأکید آنها بر اثبات فرضیه و قضایای نظری است، تأکید در این روش بر تولید نظریه است. در این تحقیق، کدگذاری در سه مرحله انجام شد. ابتدا رمان‌ها کدگذاری شدند و مفاهیم و مقولات مرتبط با سئوالات تحقیق استخراج شد. سپس مفاهیم و مقولات بدست آمده با هم ترکیب شده و پدیده اصلی نام گذاری شد و سپس شرایط، زمینه‌ها، استراتژی‌های کنش و نتایج آن به دقت جستجو شد و تئوری تحقیق بدست آمد.

مقولات بدست آمده نشان می‌دهد این زنان دچار مسائل و دغدغه‌های؛ روزمرگی، عدم رضایت از زندگی زناشویی، تضاد، تنهایی، گم‌گشتگی، حسرت، ناتوانی، عدم اعتماد به نفس، توجه به گذشته و ناامیدی از آینده، نگرانی و احساس ترس و ناامنی هستند.

تئوری نهایی بدست آمده از بررسی رمان‌ها نشان می‌دهد که در این رمان‌ها، زنان بازنمایی شده در رمان‌ها دچار پدیده "هویت ناموجه ذهنی" هستند و به همین دلیل مدام در حال بازاندیشی هستند و به عبارتی بازاندیشی دائمی دارند.



۱.....	
۲.....	1-1- مقدمه
۳.....	۱-۲- مسئله پژوهش
۷.....	۱-۳- ضرورت پژوهش
۹.....	۱-۴- اهداف پژوهش
۱۰.....	فصل دوم
۱۱.....	۲-۱- مقدمه
۱۱.....	۲-۲- جامعه‌شناسی ادبیات یا جامعه‌شناسی ادبی
۱۶.....	۲-۳- رابطه ادبیات و جامعه
۲۱.....	۲-۴- بازنمایی
۲۲.....	۲-۴-۱- تعریف بازنمایی
۲۳.....	۲-۴-۲- استراتژی‌های بازنمایی:
۲۳.....	۲-۴-۲-۱- کلیشه سازی

- ۲۴..... ۲-۴-۲-۲-۲ طبیعی سازی
- ۲۵..... ۲-۵-۲ زیست جهان
- ۲۶..... ۵-۶-۲ رهیافت پژوهش
- ۲۷..... ۲-۷-۲ ساخت اجتماعی واقعیت
- ۳۰..... ۲-۸-۲ پیشینه پژوهش
- ۳۸..... فصل سوم
- ۳۹..... ۳-۱-۳ مقدمه
- ۴۰..... ۳-۲-۳ نظریه مبنایی
- ۴۲..... ۱ عناصر نظریه میدانی
- ۴۲..... ۳-۲-۱-۱ مفاهیم
- ۴۲..... ۳-۲-۱-۲ مقولات
- ۴۳..... ۳-۲-۱-۳ گزاره‌ها
- ۴۳..... ۳-۲-۲ فرآیند ساختن نظریه میدانی:
- ۴۴..... ۳-۲-۲-۱ طراحی تحقیق
- ۴۵..... ۳-۲-۲-۲ جمع‌آوری اطلاعات و مرتب‌کردن داده‌ها
- ۴۵..... ۳-۲-۲-۳ تحلیل‌داده‌ها

- ۴۵..... مقایسه‌ی ادبیات ۳-۲-۲-۴
- ۴۶..... فرایند کُدگذاری: ۳-۲-۳
- ۴۶..... کُدگذاری آزاد ۳-۲-۳-۱
- ۴۶..... کُدگذاری محوری ۳-۲-۳-۲
- ۴۶..... کُدگذاری انتخابی ۳-۲-۳-۳
- ۴۷..... عملیاتی کردن روش ۳-۲-۴
- ۴۸..... تعریف مفاهیم
- ۵۰..... فصل چهارم
- ۵۱..... مقدمه ۴-۱
- ۵۱..... خلاصه رمان‌ها ۴-۱
- ۵۱..... خلاصه داستان «پرنده من» ۴-۲-۱
- ۵۳..... خلاصه رمان «نگار گفته بودی لیلی» ۴-۲-۲
- ۵۴..... خلاصه داستان «چراغها را من خاموش می‌کنم» ۴-۲-۳
- ۵۶..... خلاصه رمان «چهل سالگی» ۴-۲-۴
- ۵۷..... خلاصه رمان «دالان بهشت» ۴-۲-۵
- ۵۹..... کُدگذاری‌ها ۴-۳
- ۵۹..... کُدگذاری آزاد ۴-۳-۱

- ۵۹ ۴-۳-۱-۱-۱ مفاهیم اولیه رمان‌ها.
- ۵۹ ۴-۳-۱-۱-۱-۱ مفاهیم رمان پرنده من
- ۶۳ ۴-۳-۱-۱-۱-۲ مفاهیم رمان چهل سالگی
- ۶۵ ۴-۳-۱-۱-۱-۳ مفاهیم رمان دلان بهشت
- ۶۷ ۴-۳-۱-۱-۱-۴ مفاهیم رمان چراغها را من خاموش می‌کنم
- ۷۰ 4-3-1-1-5 مفاهیم رمان انگار گفته بودی لیلی
- ۷۳ ۴-۳-۱-۲ مقولات بدست آمده از مفاهیم
- ۷۳ ۴-۳-۱-۲-۱ احساس ترس و ناامنی
- ۷۶ ۴-۳-۱-۲-۲ نگرانی
- ۸۱ ۴-۳-۱-۲-۳ توجه به گذشته و ناامیدی از آینده
- ۸۴ ۴-۳-۱-۲-۴ ناتوانی و عدم اعتماد به نفس
- ۸۷ ۴-۳-۱-۲-۵ حسرت
- ۸۹ ۴-۳-۱-۲-۶ گم‌گشتگی
- ۹۲ ۴-۳-۱-۲-۷ تنهایی
- ۹۳ ۴-۳-۱-۲-۸ تضاد
- ۹۶ ۴-۳-۱-۲-۹ عدم رضایت از زندگی زناشویی
- ۹۹ ۴-۳-۱-۲-۱۰ روزمرگی
- ۱۰۰ ۴-۳-۲ کدگذاری محوری

- ۱۰۰ هویت ناموجه ذهنی ۴-۳-۲-۱
- ۱۰۱ استراتژی‌ها و پیامدها ۴-۳-۲-۲
- ۱۰۱ استراتژی‌ها و پیامدها در رمان پرنده من ۴-۳-۲-۲-۱
- ۱۰۲ استراتژی‌ها و پیامدها در رمان چراغ‌ها ۴-۳-۲-۲-۲
- ۱۰۲ استراتژی‌ها و پیامدها در رمان انگار گفته بودی لیلی ۴-۳-۲-۲-۳
- ۱۰۳ استراتژی‌های زن رمان چهل سالگی ۴-۳-۲-۲-۴
- ۱۰۴ استراتژی‌های زن رمان دلان بهشت ۴-۳-۲-۲-۵
- ۱۰۶ کدگذاری انتخابی ۴-۳-۳
- ۱۱۰ مقایسه یافته‌های پژوهش با اندیشه‌های سایرین
- ۱۱۱ فصل پنجم
- ۱۱۲ نتیجه‌گیری

فهرست منابع

پیوست‌ها

1-1- مقدمه

فهم ما از جهان، تنها براساس تجربیات فردی صورت نمی‌گیرد. در جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم هیچ چیزی بی‌واسطه فهم نمی‌شود. انواع مختلفی از اشکال بازنمایی از قبیل برنامه‌های تلویزیون، روزنامه‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی، شبکه‌های اینترنتی، متون ادبی و ... وجود دارد که بر فهم و نگرش ما از خودمان، دیگران و محیط اطرافمان تأثیر می‌گذارد.

متون ادبی و از آن جمله رمان‌ها، شکلی از بازنمایی هستند که انسانها از طریق آنها، خودشان را و جهان و روابط پیرامون خود را می‌شناسند.

نقش زن در رشد نوع ادبی رمان بسیار مؤثر بوده است. «رمان تنها گونه ادبی است که شماری این چنین از زنان در آن سهیم بوده اند؛ حضورشان در آن نمایان بوده و چند و چون شرکتشان در آن کمابیش با مردان همانندی داشته است. نویسندگان زن کمابیش گونه ادبی رمان را بر گونه‌های دیگر ادبی برتر شمرده اند. این فرم ادبی رمان به صورت وسیله‌ای برگزیده در آمده است که زنان در سالهای گذشته نزدیک جنبه‌هایی از زندگی جنسیشان را با آن پژوهیده و منتشر کرده اند؛ جنبه‌هایی که پیش از این در پهنه هنر یا در جامعه به آن توجهی نمی‌شده است» (مایلز، ۳۸: ۱۳۸۰).

در سال‌های اخیر نویسندگان زن، توانسته‌اند پیش از هر گونه ادبی دیگری از طریق رمان، فهم و ذهنیت خویش را از جهان پیرامون خود بازگو کنند. آنان قلم به‌دست گرفته‌اند تا از دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و دلهره‌هایشان از جهان بگویند. آثار آنان با استقبال بسیاری از سوی مخاطبان مواجه شده است و توجه همگان را به خود جلب کرده است.

این آثار توانسته‌اند جهان زنانه‌ای را به تصویر بکشند که در آن مسائل و دغدغه‌های زنان و تصور زنان از محیط پیرامون‌شان بازنمایی شده باشد.

هرچند نمی‌توانیم این آثار را بازنمایی تصور تمامی زنان از جهان اطرافشان بدانیم. اما به هر حال می‌توانند بیان‌کننده فهم زنان رمان‌نویس و طبقه‌ای باشند که این زنان از میان آن برخاسته‌اند. از طرف دیگر، استقبال گسترده از رمان‌ها می‌تواند نشان از تأثیری داشته باشد که این آثار بر فهم و

نگرش سایر زنان و مردان از جهان زنان دارند. بنابراین ما با تحلیل این رمان‌ها، سعی در آشکارسازی نگرش‌های موجود در این رمان‌ها و شناسایی جهان زنان و مسایل زنانه خواهیم داشت.

۲-۱- مسئله پژوهش

رمان در ایران نوع ادبی نسبتاً تازه‌ای است که از زمان پیدایش آن تاکنون تحولات گوناگونی را از سر گذرانده است.

با اینکه قصه‌گویی سنتی دیرینه در ایران دارد، داستان منثور، و به‌ویژه رمان، پدیده نسبتاً جدیدی در تاریخ ادبیات ایران به شمار می‌آید. سابقه رمان‌نویسی در شکل جدید آن در ایران به اندکی بیش از صد سال می‌رسد. در واقع نخستین رمان مدرن ایرانی *سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ* (۱۲۷۴) - نوشته زین‌العابدین مراغه‌ای، سفرنامه‌یی داستانی درباره فرد ایرانی‌الاصلی است که در مصر بزرگ شده و به سرزمین اجدادی‌اش سفر می‌کند.

در رمان‌های اولیه فارسی شخصیت - همانند شخصیت در ادبیات کلاسیک - در حد تیپ است که بیشتر نماینده گروه اجتماعی به نظر می‌رسد تا نماینده فردیت. در مرحله بعدی رشد رمان در کتاب‌هایی مانند *چشم‌هایش* اثر بزرگ علوی کوششی برای ساختن شخصیت چندجانبه و منحصر به فرد دیده می‌شود. با این حال موفقیت نویسندگان در این زمینه مربوط به دهه‌های اخیر است و به خصوص در رمان بعد از انقلاب، این توفیق به روشنی دیده می‌شود. در رمان‌های دهه اخیر با شخصیت‌های مختلف و چندلایه روبرو می‌شویم که کاملاً با هم متفاوت و دارای ویژگی‌های منحصر به فردند.

نظریه‌های شکل‌گیری رمان در آرای ایان وات نشان می‌دهد که رمان شکل ادبی جامعه مدرن است و با رشد فردیت نسبت مستقیم دارد. بر اساس این رویکردهای نظری، رمان در بین جوامع یا گروه‌های اجتماعی که فردیت رشد بیشتری دارد، زمینه‌های مساعدتری برای رشد می‌یابد (ایان وات، ۱۳۷۹: ۱۰۱). لوکاچ نیز به تبعیت هگل می‌گوید که قهرمان حماسه، اجتماع است. درحالی‌که

قهрман رمان، فرد است؛ فردی که خاستگاه او بیگانگی انسان مدرن با جهان بیرون است. لوکاچ می‌گوید: «رمان ماجرای درون بود را می‌گوید؛ مضمون رمان داستان جانی است که می‌رود تا خود را بیابد، ماجرای را می‌جوید تا خود را به اثبات رساند و آزمایش شود؛ و با اثبات خویش خود را کشف کند.» (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۸۲).

به مرور زمان، همراه با رشد هنر رمان و تحولات جامعه، شخصیت رمان هم به فردیت دست می‌یابد. در رمان‌های ایرانی این امر بویژه در مورد زنان دیر صورت می‌پذیرد، با این حال در دوران اخیر شاهد تکامل و رشد اهمیت شخصیت زن هستیم.

تحولات ساختاری و ضرورت‌های اقتصادی، تکرر منابع هویت‌ساز و منابع فرهنگی (ارزش‌ها و نگرش‌ها) و منابع مادی (درآمد، دارایی و استقلال مادی) باعث شد زنان در موقعیت و هویت فردی و اجتماعی خویش تأمل و چون و چرا کنند و به فرودستی غالب نقش‌ها و هویت‌های سنتی زنانه وقوف یابند و به مقاومت در برابر نقش‌های سنتی و کلیشه‌های جنسیتی قادر شده و خواستار نقش‌ها و هویت‌های فردی و اجتماعی جدید شوند، اما در این راه با موانعی روبرو می‌شوند که فرهنگ سنتی و قوانین بر سر راهشان قرار داده است. دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های قدیم و سنتی با نقش‌های جدید، زمینه‌ساز مسائل و دغدغه‌های بسیار زنان می‌شود (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۷۲-۷۳).

به نظر می‌رسد تحولات مورد اشاره درباره زنان، موجب توجه رمان‌ها به مسأله زنان شده است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین پیشرفتی که در زمینه رمان، پس از انقلاب در ایران حاصل آمده، همین غلبه نویسندگان زن است. پیش از انقلاب داستان‌نویسان زن زیادی از جمله سیمین دانشور، مهشید امیرشاهی و گلی توانسته بودند به جایگاه متمایزی در بین نویسندگان ایرانی دست پیدا کنند. با این حال پس از انقلاب نه تنها این نویسندگان جایگاه ممتاز خود را حفظ کردند، بلکه تعداد بیشتری از نویسندگان زن جوان‌تر هم توانستند با نوشتن آثاری مهم و تاثیرگذار به شهرت برسند. در واقع اگر کسی بخواهد نام چندین نفر از نویسندگانی را که در این مدت بیش از همه

شناخته شده بودند و آثارشان بیشتر خوانده شده را ردیف کند، بیشتر نامها متعلق به نویسندگان زن خواهد بود (قانون پرور، ۱۳۷۸).

افزایش داستان‌نویسان زن در دهه‌های اخیر، و موفقیت آنان در جلب مخاطبان، بسیاری را شگفت‌زده کرده است. حسن میرعابدینی برای سنت نویسندگی زنان ایران سه دوره کلی را بر می‌شمرد؛ از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۹ به نام ۱۵ نویسنده زن بر می‌خوریم، در حالی که تا سال ۱۳۳۹، ۲۷۰ نویسنده مرد در عرصه داستان‌نویسی فعال‌اند، یعنی در مقابل هر نویسنده زن، ۱۸ نویسنده مرد (میرعابدینی، ۱۳۷۷).

از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ که سال‌های شکوفایی ادبیات و هنر معاصر است، بیش از ۲۵ نویسنده زن شروع به داستان‌نویسی می‌کنند، یعنی در مقابل هر نویسنده زن، ۵ نویسنده مرد می‌بینیم. در این دوره به نسبت دوره پیش، فاصله آماری کم شده است. در دهه ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۹، ۲۸ نویسنده زن شروع به نوشتن کرده‌اند و ۱۹۸ نویسنده مرد. یعنی در مقابل هر یک نویسنده زن، ۷ نویسنده مرد داریم. در دهه بعد، یعنی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ تعداد نویسندگان مرد به نسبت دهه قبل به رقم ۱۴۰ نویسنده کاهش یافته است، اما تعداد نویسندگان زن در این دوره تغییری نکرده است.

در دهه ۷۰ تا ۸۰، در برابر هر یک و نیم نویسنده مرد با یک نویسنده زن مواجهیم. در این دهه در حدود ۳۷۰ نویسنده زن (۱۳ برابر نویسندگان زن دهه پیش) شروع به انتشار اولین اثر خود می‌کنند. عده نویسندگان مرد در این دوره ۵۹۰ نفر است (www.zanan.co.ir).

دلایل بسیاری برای این مسئله بیان شده است؛ گروهی معتقدند زنان می‌نویسند تا صدایشان را در جامعه منعکس کنند، صدایی که تاکنون نادیده گرفته شده بود. اینان معتقدند این آثار جهان‌زنانه‌ای را بازنمایی می‌کنند که برخاسته از توجه منظم به تجربیات، قبلاً به رسمیت شناخته شده، زنان است به عنوان مثال فرزانه میلانی می‌نویسد:

«زنان در سال‌های اخیر توانسته‌اند در قلمروهای فرهنگی‌ای که به صورت مرسوم در اختیار مردان بوده است، فضایی از آن خود را خلق کنند. قابل توجه‌ترین تحول در ادبیات داستانی زنان رخ داده است. برای نخستین بار زنان در نثر صدایی نیرومندتر از شعر یافته‌اند. اکنون دلهره زنان، نظرگاه

آنان و جزئیات زندگی شخصی آنها، که قبلاً از جمله موضوعات تابو به شمار می آمد، آزادانه، فعالانه و به صورت خارج از قاعده مورد بحث قرار گرفته است (Milani, 1999: 99) به نقل از ولی زاده، (۱۳۸۵: ۱۲).

برخی از پژوهشگران نیز ادبیات نوشته شده توسط زنان را بازتولید فرهنگ غالب دانسته‌اند. تزا میرفخرایی در بررسی تصویر زن در رمان‌های عامه‌پسند، در مورد رمان‌های عامه‌پسندی که زنان می‌نویسند، چنین می‌گوید: « با این حال این آثار جهان زنانه‌ای را بازنمایی می‌کنند که تنها در چارچوب فرهنگ غالب یک جامعه مردسالار معنا دارد. گاه حتی می‌توان نتیجه گرفت که سلطهٔ مرد بر زن در این آثار طبیعی جلوه داده شده است. نقش اصلی را عمدتاً زن بر عهده دارد. اما قهرمان مؤنث در رمان مورد بررسی در محور حوادثی قرار دارند که مردان ایجاد می‌کنند و در نهایت نیز خود آن را حل می‌نمایند. فرجام زنان داستان نتیجه بازی سرنوشتی است که عمدتاً به دست مردان قلم می‌خورد (فرهنگی و میرفخرایی، ۱۳۸۴: ۶۲).

اگرچه رمان‌های زن نوشته را نمی‌توان به آینه تمام نمای جامعه فرو کاست و آن را بازتاب آرزوها و خواست‌های زنان و مسایل و مشکلاتشان دانست. اما آنچه مسلم است این آثار را می‌توان همچون هر محصول فرهنگی دیگری شکلی از بازنمایی نگریست که برگرفته از ذهنیت و تصور زنان رمان‌نویس از جهان است و داده‌های جامعه‌شناسی مفیدی را در مورد زنان بازگو می‌کند.

همچنان‌که هوشنگ گلشیری به درستی می‌گوید: « هر رمان مخلوقی است در کنار واقعیت که نمی‌توان آن را بر واقعیت زمانه نویسنده آن منطبق ساخت و یا حتی زمانه او را در آن به عینه بازشناخت. خلق و ابداعی است فراتر از حدود و ثغور پادرگریز و تنگ همه‌ی مسایل مبتلا به زمان نویسنده. دنیایی است از آدم‌های مخلوق نویسنده در زمان و مکانی خاص که آفریده اوست، هرچند به ناچار از زمان نویسنده رنگ و بو دارد.» (گلشیری، ۱۳۷۸: ۲۱۱). سخن زنان حرف‌های بیهوده نیست، بلکه پایه و اساس دانش مبتنی بر تجربیات است که در گذشته پنهان مانده و تحریف شده است. این رمان‌ها شواهدی عینی برای شناخت جهان زنانه و تجربیات زنان و مسایل و مشکلات

زنان در جهان بازنمایی شده در رمان‌ها در اختیار محققان قرار می‌دهد. با تحلیل متون نویسندگان زن ایرانی می‌توان به جهان احساسات و اندیشه‌های زنانه راه یافت و مسائل‌شان را شناخت. همچنین این آثار همانند سایر اشکال بازنمایی بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند. اینان همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند.

حال این پرسش‌ها مطرح می‌شود که؛

- ۱- جهان زنانه بازنمایی شده در رمان‌ها دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۲- مسائل و دغدغه‌های شخصیت اصلی زن این رمان‌ها چیست؟
- ۳- زنان در مواجهه با این مسائل چگونه واکنش نشان می‌دهند؟
- ۴- این واکنش‌ها چه پیامدهایی برای این زنان در پی دارد؟

۳-۱- ضرورت پژوهش

زنان نیمی از جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دهند. نیازها و علایق ویژه زنان، خصوصیات و شیوه زندگی آنان، هنوز هم بطور کامل در ادبیات علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. بویژه دانستن اینکه زنان چگونه موقعیت خود را ارزیابی می‌کنند (سفیری، ۱۳۷۷: ۳۱). قصور جریان غالب جامعه‌شناسی در توجه به زنان و مسائل مورد توجه آنها باعث شده که دغدغه‌های زنان پنهان بماند. دغدغه‌هایی که به زنان امکان فعالانه زیستن در جهان را نمی‌دهد. متون ادبی و از جمله رمان‌ها از مهمترین شواهد برای هرگونه نظریه‌پردازی برای ساختارها، فرایندها و روابط اجتماعی است. بررسی و تحلیل متون، تغییرات و جنبش‌های اجتماعی را نشان می‌دهد؛ کنترل و سلطه اجتماعی و نیز مقاومت در برابر آن امروزه هر چه بیشتر از طریق متون اعمال می‌شود.

از طریق بررسی و تحلیل روایت‌های موجود در متون فرهنگی، ما می‌توانیم شناخت مناسبی از فهم افراد از واقعیت و جهان را کسب کنیم. چرا که واقعیت براساس بازنمایی‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. هیچ امر فرازبانی، فراگفتمانی و فراتاریخی وجود ندارد که به نحو عینی و شفاف انعکاس یابد؛ بلکه هرگونه فهم و شناختی از واقعیت، امری است که در زبان و گفت‌وگو ساخته می‌شود. معنا نه اکتشافی طبیعی، که برساخته‌ای اجتماعی است. به گفته مری کلیجز «یک متن ادبی، همچون هر متن فلسفی و یا فیلم و برنامه‌های تلویزیونی به ساخت تک‌تک انسان‌ها به مثابه سوژه کمک می‌کند. به آنها واژه‌ها و اندیشه‌هایی می‌بخشد که انسان‌ها از آن طریق خودشان را و جهان و روابط پیرامون خود را می‌فهمند» (Kleges, 1997 به نقل از ولی زاده، ۱۳۸۵).

بررسی نوشته‌های زنان فرصتی است تا از دیدگاه خود زنان دنیای‌شان شناخته شود و به فهم زنان و شناخت‌شان از جهان اعتبار داده شود. با دنیای زنان به عنوان یک هستی قائم به ذات برخورد کنیم و نه به منزله موضوعی فرع بر دنیای مردان. جسی برنارد معتقد است، زنان در دنیایی زنانه و مردان در دنیایی مردانه به سر می‌برند و این دو دنیا از جهات بسیار زیادی چه از لحاظ ذهنی و چه از لحاظ عینی، با یکدیگر فرق می‌کنند. برنارد از قول آر. دی. لینگ می‌گوید: «مادامی که جهان را متفاوت از یکدیگر تجربه می‌کنیم، به یک معنا در جهان‌های متفاوتی زندگی می‌کنیم» (۱۹۷۱: ۱۵۷). نه تنها زنان و مردان جهان را متفاوت از یکدیگر تجربه می‌کنند، بلکه در عین حال جهانی که زنان تجربه می‌کنند به وضوح با جهانی که مردان تجربه می‌کنند، فرق می‌کند» (برنارد، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۷). بررسی رمان‌های زن نوشته به شناخت تجربیات زنان و فهم‌شان از جهان، کمک می‌کند. رمان‌های زنان، فهم و تجربه زنان نویسنده از جهانند. این رمان‌ها به ما می‌گویند که این زنان جهان اجتماعی خود را چگونه تجربه و فهم می‌کنند.

لذا به دلیل استقبال مخاطبان و تأثیری که این رمان‌ها به عنوان شکلی از بازنمایی جهان زنانه- بر فهم زنان و حتی مردان از جهان زنانه و مسائل و مشکلات می‌توانند داشته، بررسی‌شان ضرورت می‌یابد. از طرفی تحلیل متون نویسندگان زن ایرانی می‌تواند به روشن شدن زوایای متعددی از زمینه اجتماعی‌شان بیانجامد.

۴-۱- اهداف پژوهش

هدف اصلی:

بازنمایی تجربیات زنان از جهان اجتماعی تصویرشده در رمان‌ها.

سایر اهداف:

- ۱- بررسی جهان اجتماعی بازنمایی شده در رمان‌ها.
- ۲- شناسایی مسائل قهرمانان زن رمان‌ها در نسبت با جهان بازنمایی شده در رمان.
- ۳- بررسی کنش‌های آنان برای حل مشکلاتشان.
- ۴- بررسی پیامدهایی (فردی و جمعی) که با آن مواجه می‌شوند.

فصل دوم

۱-۲- مقدمه

اگرچه در روش نظریه‌مبنایی محقق با نظریات موجود به سراغ پدیده‌ها نمی‌رود و بدون پیش‌فرض نظری کار خود را شروع می‌کند اما یک توصیف خوب از زمینه پژوهش و رویکرد محقق در پژوهش حاضر لازم به نظر می‌رسد. لذا در ابتدای این فصل توصیفی خواهیم داشت از جامعه‌شناسی ادبیات که زمینه پژوهش حاضر است و سپس نظر اندیشمندان را در مورد رابطه جامعه و ادبیات و اینکه ادبیات واقعیت را بازنمایی می‌کند یا بازتاب، بحث خواهیم کرد.

سپس به تعریف مورد نظرمان از جهان اجتماعی خواهیم پرداخت و سپس همچنین رهیافت بکار رفته در این پژوهش را شرح می‌دهیم. و در ادامه به شرح مفهوم ساخت اجتماعی واقعیت که استدلال اساسی در ضرورت مطالعه رمانهاست، می‌پردازیم.

بخش آخر این فصل مروری خواهد بود بر پژوهش‌های جامعه‌شناسانه پیشین در مورد رمان‌های نویسندگان زن.

۲-۲- جامعه‌شناسی ادبیات یا جامعه‌شناسی ادبی

برخورد جامعه‌شناسی با ادبیات از این اعتقاد سرچشمه می‌گیرد که میان پدیده ادبی و واقعیت اجتماعی که این پدیده در آن به وجود می‌آید، رابطه‌ای قابل بررسی وجود دارد. این رابطه را محققان به شکل‌های گوناگون بررسی کرده‌اند.

آنچه که از آن تحت عنوان جامعه‌شناسی ادبیات نام برده می‌شود، دارای دو رویکرد و جریان یعنی «جامعه‌شناسی ادبیات» به عنوان رویکرد اول و رویکرد دوم با عنوان «جامعه‌شناسی در ادبیات» یا «جامعه‌شناسی ادبی» است.

قبل از اینکه به مهمترین دیدگاه‌ها در زمینه جامعه‌شناسی ادبیات بپردازیم باید این دو طرز بررسی را از هم جدا کنیم.

جامعه‌شناسی ادبیات روشی تجربی است که با کمک جامعه‌شناسی عمومی به بررسی پدیده ادبی از لحاظ ارتباط آن با سایر نهادهای ادبی به صورت مقطعی و طولی می‌پردازد (کوثری، ۱۳۷۹: ۲۵). اما جامعه‌شناسی ادبی، روشی انتقادی است؛ روشی تحلیلی و متکی بر این عقیده که میان واقعیت اجتماعی و جهان رمان رابطه‌ای وجود دارد (لنار، ۱۳۷۷: ۸۱). رویکرد اول، «جامعه‌شناسی ادبیات» به مقوله ادبیات به عنوان فرآیندی عمدتاً اقتصادی می‌نگرد و روابط حاکم بر چرخه اقتصاد را بر عالم ادبیات تطبیق می‌دهد. این روش یکدست نیست، بلکه شامل چندین نظرگاه است. روش جامعه‌شناسانه برای بدست آوردن اطلاعات در سه زمینه تولید، توزیع و مصرف از پرسشنامه و روش‌های آماری استفاده می‌کند. در این رویکرد نویسندگان و شاعران به مثابه تولیدکنندگان، ناشران به عنوان توزیع‌کنندگان و خوانندگان به منزله مصرف‌کنندگان آثار ادبی تلقی می‌شوند (اسکارپیت، ۱۳۷۸: ۱).

نویسنده از ماده‌ای که در دسترس همگان است معنای جدیدی می‌آفریند که البته تا حدی در این آفرینش به خاطر اشتراکات فرهنگی یا زبان با محدودیت‌هایی روبروست، به این معنا که اشتراکات فرهنگی «مبنای اصول اعتقادی گروه و نیز نقطه اتکاء بدعت‌ها و ناهمخوانی‌هایی را تشکیل می‌دهند که هیچ‌گاه از مخالفت‌های نسبی فراتر نمی‌روند، زیرا که مخالفت مطلق، پوچ و نامعقول است. هر نویسنده به این ترتیب زندانی ایدئولوژی و جهان‌نگری محیط و خوانندگان خویش است؛